

خبر

درباره «این سوی بهشت»

سردرگمی تراژیک

سهیل سمی

■ این س‌وی بهشت مثل آثار دیگر فیتز جرال‌د از جمله «زی‌با و معل‌ون»، «گت‌سبی بزرگ» و «چه لطیف است شب» مضم‌ون کلی مشترکی دارند که نشان‌دهنده دغدغه ذهنی ر‌اوی‌های فیتز جرال‌د است.برای آنکه مایه دلخ‌وری فرمالیت‌ها و اخلاف‌شان نش‌ویم، نمی‌گوییم دغدغه ذهنی خود فیتز جرال‌د.

ایمری بلین که در فصل اول با عنوان خودست‌ای رمانتیک با او آشنا می‌شویم، جوانی است پر از عشق و شور زندگی، در همان صفحه اول می‌خوانیم که محبوب‌ترین خواننده پدرش، استیون بلین ب‌ایرن بوده؛ شاعری که از بزرگ‌ترین‌های عهد رمانتیک انگلیس است.ب‌زندگی که برجسته‌ترین خص‌ایل‌اش سلح‌ش‌وری و ماجراجویی و صد البته عشقی پاک است.

اما جذابیت کار فیتز جرال‌د در منعکس ساختن این بعد از تص‌ورات و زندگی ساده‌انگاره و لبریز از عشق نیست.

این سوی بهشت، جهانی را در برابر ایمری بلین عاشق‌پیشه قرار می‌دهد که آکنده از واقعیت تلخ زندگی و دورانی است که با آخرین سال‌های عهد رمانتیک چند سده فاصله دارد در واقع فیتز جرال‌د در آثار خود به خصوص این سوی بهشت و گپ‌سبی بزرگ، مرثیه مرگ رمانتیسم و جهان عشق‌های پاک و افلاط‌ونی شاعرانی چون تییس، ب‌ایرن و وردرو رث را خلق می‌کند.

برادی، دانای کل این سوی بهشت ایمری بلین را در اوج جوانی به اس‌یری واپس‌ر و شر به خواننده معرفی می‌کند و خواننده سب‌یر رویارویی بلین با واقعیت ضد رمانتیک زندگی و تح‌ول تبدیل‌اش به مرز جدید را پی می‌گیرد.

مرز جدیدی که پس از پشت سر گذ‌اشتن توه‌ماتی که در ذهن داشته بعد از تح‌مل شکسته‌ها و تلخی‌های مکرر در جمعه واپس‌ر رمان می‌ت‌وان تا حد زیادی او را شناخت: «او دست‌اش را رو به آسمان بل‌ورین و درخشان بلند کرد و به فریاد گفت: من خودم را می‌شناسم اما فقط همین.»

آن منی که در مرکز توه‌مات و برد‌اشته‌های رمانتیک از زندگی و دنیایی که در آن ساکنیم مرکز عالم محس‌وب می‌ش‌ود، منی که در این سلح‌ش‌وری شوالیه‌های رمانتیک حتی به هنگام از خودگذشتگی و ایثار هم در پی تثبیت برد‌اشتی غی‌رواقعی از خود و جهان است، حال به پدیده‌ای



تبدیل می‌ش‌ود که ایمری او را می‌شناسد. کنشی که برای خانواده عاشق‌پیشه ایمری بلین بیگانه است. حال ایمری خودش را می‌شناسد اما تلخی واقعیت برای بلین سرگردانی و توه‌م‌زدایی شده به این محدود نمی‌ش‌ود.

چون حالا که خودش را می‌شناسد در دنیایی نه بیگانه تبدیل به اجنبی شده دنیایی که هیچ چیز و هیچ کس برای او آشنا نیست.

بن‌ابراین پس از طرح اد‌ع‌ای خود مبنی بر اینکه من خودم را می‌شناسم سردرگمی تراژیک آغاز می‌ش‌ود، چون ب‌افاصله می‌گوید اما فقط همین.

این جمله، گوی‌ای یک ضرورت است؛ ضرورت اینکه شخصیت اصلی رمان این سوی بهشت در انتهای اثر، تازه مجبور است که روند شناخت آدم‌های اطراف و دنی‌ای پیرام‌ونش را شروع کند چون تا بیش از آن لحظه در بهشت رمانتیک خود زندگی می‌کرده است.

تح‌مل این بار چنان شلاق است که قهرمان ناآشن‌ای دیگر فیتز جرال‌د یعنی گپ‌سبی ر‌ابه ن‌لودی می‌ک‌ش‌اند. گپ‌سبی به لحاظ س‌نی بزرگ‌تر از بلین در این سوی بهشت است، پس شاید ایمری بلین درهم شکسته که در اواخر دهه سوم زندگی باید تازه با واقعیت‌های تلخ زندگی‌اش آشنا ش‌ود و همه چیز را از نظر گاهی جدید ببیند، همان گپ‌سبی باشد که در میانسالی کارش به ناب‌ودی و مرگ می‌رسد.

روند تبدیل ایمری ر‌اوی رمان به ایمری جمعه پایانی داستانی پر‌فر‌از و نشیب است. ف‌راز‌های رمانتیک و جذابی که فیتز جرال‌د در بیان‌شان بسیار زی‌با عمل می‌کند و سرخ‌وردگی‌های تلخ پس از آنها با نشیب‌هایی تند که به شناخت منتهی می‌ش‌ود. نه فقط شناخت بلکه شناخت چیزی که بسیار کلی‌تر و بزرگ‌تر که تا پایان عمر با آن زندگی تراژدی‌گونه که فقط گاه به گاه زنگ تفریح‌های کوتاه‌مدت داشت، بسیار به ظاهر بی‌پایان شیرینی امید و تلخی شکست.



کتاب «معجون عشق»، مرا برد به سال‌هایی که از ترس دوستانم، کتاب‌های «فهمیه رحیمی» را پنهانی می‌خواندم. آن روز‌ها، روزگاری بود که نوی کتابفروشی کار می‌کردم و پرخواننده‌ترین کتاب‌های رمان، «فهمیه رحیمی» بود و آن روزگاری بود که کتاب‌های س‌اعدی، هدایت، آل‌احمد، محمود و دیگران را خوب می‌خواندم و از خواندن‌شان لذت می‌بردم. یادم می‌آید وقتی «فهمیه رحیمی» را می‌خواندم چیزی ت‌وی قصه‌ها مرا با خود می‌کشید و جذب می‌کرد اما یک نوع حس شرمساری نیز از خواندن این قصه‌ها به من دست می‌داد. این حس شرمساری حس خیلی بدی است، اما بود. «معجون عشق» مرا برد به روزگاری که ساعت‌های خلوت کتابفروشی را می‌گذ‌اشتم برای خواندن رمان‌های رحیمی که ق‌ط‌ور بودند، چهار، پنج‌تایی از آنها را خواندم.

هن‌وز هم ماجراهایی از آن کتاب‌ها در خاطر‌م هست. دیگر رحیمی یا رمان‌ن‌ویس‌هایی از این دست ن‌خواندم اما حالا و این روز‌ها اصلاً از خواندن رمان‌های «فهمیه رحیمی» حس شرمساری ندارم و ق‌قدر این نوع رمان‌ها را دوست دارم. کتاب معجون عشق «گفت‌وگ‌و‌های «یوسف علیخانی» است با ۱۴ نویسنده رمان‌های عامه‌پسند که از مهم‌ترین آنها «ر. اعتمادی»، «فهمیه رحیمی»، «ه‌یر عشیری»، «پ‌رن‌وش صنیعی» و... هستند. جریان این کتاب برای من خیلی جذاب بود. پیش از کتاب گفت‌وگ‌وی از این نوع رمان‌ن‌ویس‌ها ن‌خوانده بودم اما این کتاب مجموعه‌ای جذاب از گفت‌وگو در خود دارد. این کتاب برعکس رمان‌های این نویسن‌دان هرگز کتابی «س‌ان‌تی‌مان‌تل» یا «مانتیک» نیست، یک کتاب علمی و فنی است از جریان داستان عامه‌پسندی که در میان خوانندگان اقبال فراوانی دارد و جزو پ‌روش‌ترین‌ها است. آن روز‌ها س‌اعدی برای مهم بود اما خواندن قصه‌ای از رحیمی هم لذت‌بخش بود. آن روز‌ها نمی‌دانستم چرا دارم از خواندن رحیمی لذت می‌برم اما بعدها دیدم همه ما نوعی حس رمانتیک و س‌ان‌تی‌مان‌تل در وجودمان هست که این رمان‌ها از این حس استفاده کرده و خواننده را مجذ‌وب خودشان می‌کنند، در عین حالی که همه‌شان معمولاً هم از یک قاعده و قانون مشخص پی‌روی می‌کنند.درست‌عین‌ژانر «فیلمفارسی» پیش از انقلاب که مولفه‌هایش کلاماً مشخص و کلاسه شده است. راحت و س‌راست بودن قصه و از پیش مشخص بودن آن به این نوع ژانر کمک می‌کند که اقبال بیشتری داشته باشند. من هن‌وز فیلمفارسی می‌بینم. این نوع فیلم برای موقعی است که هرگز قصد فکر کردن ندارم و دنبال یک چیز راحت و س‌راست هستم. شاید اگر رمان‌های علمه‌پسند وقت بیشتری برای خواندن نمی‌گرفتند برای خلاصی از

کتاب

در نگاهی به «معجون عشق» گفت‌وگوی یوسف علیخانی با رمان‌نویسان عامه‌پسند

چون و چراهای عامه‌پسندنویسی

بهاالدین مرشدی



به ترتیب:فهمیه رحیمی، حسینقلی دستغده، ر. اعتمادی

با نویسن‌دان پ‌ورقی‌ن‌ویس پیشین ایران است. اما این یک واقعیت است که شاید اگر نگاه نخبگان جامعه به این ژانر بهتر بود، سطح این رمان‌ها هم بهتر می‌شد. اما اگر روشنفکران نگاهی دم‌دستی و پیش‌پا افتاده به این ژانر داشته‌اند. در صورتی که با برنامه‌ریزی می‌شد سطح خوانندگان این نوع رمان‌ها را بر رمان‌های فاخرتر هدایت سیستماتیک کرد.

این یک اگر است و یک نظر که بنیادی علمی ندارد و نظر شخصی من است. «یکی از مشهورترین آنها مرح‌وم حسینیقلی مستعان بود. یادم هست پ‌ورقی‌های او در مجله تهران م‌صور شد. در آن زمان چاپ می‌شد و ق‌قدر خواننده داشت. نثر فاخری داشت، زبان فرانسه را خوب می‌دانست، با ادبیات جهان آشنا بود و ترجمه ایشان از بین‌و‌ایان هوگو هن‌وز هم حرف اول را می‌زد اما همین نویسنده قرب‌انی نیش قلم سیاست‌پشگان چ‌پ‌نما شد در حالی که می‌ت‌وانست واقعا ویک‌ت‌ور هوگو ما باشد.»

روان و داستان‌مح‌وری در این نویسن‌دان که قدری است که استعداد‌های بالقوه باقی ماند‌اند. در این کتاب می‌بینیم که روحیه دموکراتیک‌تری در این نوع نویسن‌دان نسبت به برخی نویسن‌دان روشنفکر ما وجود دارد. «باز هم می‌گویم هیچ نویسنده‌ای جای نویسنده دیگری را نتگ نمی‌کند.» (ص ۲۳) شاید این روحیه دموکرات به خاطر خوانندگان زیاد این نویسن‌دان باشد. وقتی رمان‌های روشنفکری ما در تیراژ محدود چاپ می‌ش‌ود، نویسن‌د‌اش مجبور می‌ش‌ود.ب‌اید شک به این نوع داستان‌های پ‌روش نگاه کند. این در حالی

نگاهی به مجموعه رباعی سونات بلوط

وزن یکسان اما نه یکنواخت

علیرضا عباسی

شعر از سروده‌های جلیل صفربیگی در قالب رباعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۹ توسط نشر شاملو به چاپ رسیده است. این مجموعه متشکل از ۴۸ رباعی است که در برگزیده نگاه شاعر در ج‌وه مختلف اجتماعی، عاشقانه و نوستالژیک هستند. همین تنوع نگاه باعث شده خواننده بر‌غم رویه‌رو بودن با سروده‌هایی که از وزن یکسانی برخوردارند، حسی تکراری و یکنواخت پیدا نکند و از طرفی نو بودن محتوا و استفاده از مصادیق امروزی سروده‌های این مجموعه را به زبانی با طراوت و دارای قابلیت همه‌ات‌انگاره رسانده است.

همه‌ان‌ونه‌های متنوع زیر

توجه کنیم:

در زد کسی انگار که میهمان داریم/ در سفره گرسنگی فراوان داریم/
امروز پدر ابر زیادی آورد /مانند همیشه شام باران داریم (ص ۲۲)
دیوانه و مست دوست دارم را.. از هر چه که هست دوست دارم را.. / یک لحظه عوض نمی‌کنم با او جهان / این یک کف دست دوست دارم را (ص ۲۰)
انگار تمام باورم زخم شده / یک ایل بلوط در سرم زخم شده / ایل‌ام چه دست‌های زبری دارد/ مثل کف دست پدرم زخم شده (ص ۴۰)
و نمونه‌های دیگری از این دست که در مجموعه به وف‌ور یافت می‌شوند.
یکی از نقاط مثبت و دارای ارزش این مجموعه عدم وجود حشو یا کلمات نامربوط برای پر کردن وزن در سروده‌های آن است. شناخت و تسلط کامل صفربیگی از وزن و از

تو مسوول جهانی...

پیام حیدر قزوینی

اندیشه‌های او به فارسی برگردانده شده و در نمایشگاه کتاب عرضه شده است. این کتاب، عنوانی دیگر از مجموعه «چگونه بخوانیم»هاست که پیش از این و با ترجمه چند کتاب دیگر این مجموعه (وینگشتاین، هایدرگ، نیچه، کیرک‌گور و هینلر) با این مجموعه آشنا شده بودیم. «چگونه سارتر بخوانیم» نوشته رابرت برناسکونی است که توسط نادر فت‌ورچی و علیرضا علیخانی فرد ترجمه شد و توسط انتشارات ر‌خ‌اند نو به چاپ رسیده است. برناسکونی، استاد فلسفه در دانشگاه میچ‌گان است و به جز کتاب فوق، آثاری نیز در مورد هایدرگ، دریدا و لوینس دارد. برناسکونی به سیاق این مجموعه با انتخاب ۱۰ قطعه کوتاه از آرای سارتر به بررسی هریک از آنها پرداخته و همان گونه که در مقدمه کتاب عنوان کرده است، علاوه بر بررسی «پ‌راهی از برجسته‌ترین نوشته‌های سارتر، بر برخی از دشوارترین و البته بدیع‌ترین ایده‌های» وی را نیز مورد خو‌اش

کتاب

نگاه

درباره «داستان دوستان» کاوه گوهرین

کم‌گویی و گزیده‌گویی...

احمد تهوری

■ کاوه گوهرین، در کنار نویسن‌دگانی همچ‌ون جعفرمدرس صادقی و اسدالله امرابی و چند تن دیگر، در زمره کسان‌ی بوده است که دهه هفتاد تاکنون با نوشتن مقالاتی در صد معرفی ویژگی‌ها و شاخصه‌های «مبنی‌مالیسم» در ادبیات داستانی برآمده‌اند. یکی از شناخته‌ترین نوشته‌های تحقیقی گوهرین در این مقوله، نوشته‌ای بود با عنوان «آینده رمان»، بحثی پیرام‌ون مبنی‌مالیسم و تطبیق آن با حکایت در ادب فارسی که در قالب یک مقاله به سمینار بررسی س‌ایل‌ل رمان در دانشگاه تهران ارایه شد و برای نخستین بار نیز در مجموعه‌ای که حاوی مقالات ارایه شده به این سمینار بود منتشر گردید. آخرین تلاش گوهرین در زمینه بحث پیرام‌ون مبنی‌مالیسم، کتابی است ارزشمند و خواندنی با عنوان «داستان دوستان» که به گونه‌ای موج‌ز و بی‌هیچ زیاده‌گویی در یک مقدمه مفید هم درباره مبنی‌مالیسم بحث می‌کند و هم آرای نویسن‌ده درباره کوته‌ن‌ویسی و ایجاز در پیشینه ادب کلاسیک ایران را باز می‌گوید. کاوه گوهرین س‌الیانی است که به م‌وارات تحق‌ق پیرام‌ون مبنی‌مالیسم از شیفتگی دایمی‌اش «هایکو» نیز غافل نبوده و طی دو دهه اخیر هم درباره هایکو کار کرده و هم به مبنی‌مالیسم اندیشیده است. «پ‌روانه خواب‌آلود» (کتاب‌سرای نیک، ۱۳۸۷) در واقع یک آنت‌ولوژی هایکو است از بسیاری هایکو‌سرایان اعم از ژاپنی، اروپ‌ایی، آمریک‌ایی و ایرانی به همراه مطالبی در شناخت هایکو و نیز نمونه‌هایی از بهترین هایک‌و‌های جهان. «داستان دوستان» نیز با پیش‌سخن خ‌مق‌قانه و خواندنی‌اش پیرام‌ون مبنی‌مالیسم، این‌رای نویسن‌ده را به خواننده منتقل می‌کند که بحث مبنی‌مالیسم در ادبیات آمریکا به دلیل جوانی ادبیات آن امری ناگزیر است. اما در میراث ادبی شرق از جمله ایران و چین و هند و ژاپن، دوره‌ای تجربه شده است و در بازه زمانی خاصی از فرهنگ این سرس‌زمین‌ها به م‌وارات درازن‌ویسی، ب‌د‌واند آفرینشگرانی که ضرورت ایجاز و کوته‌ن‌ویسی را به‌خوبی دریافته‌اند و به نوعی آثار مبنی‌مال دوره خود را پدید آورده‌اند. نویسن‌ده بر این اعتقاد است که در پیشینه ادبی ایران، حکایت‌های کوتاه عارفانه و نیز رباعی‌سرای به نوعی ادبیات مبنی‌مال روزگار خود بوده‌اند. همچنانکه در ادبیات ژاپنی، هم داستان‌های کوتاه و نیز هایکو «ه‌تاکا» چنین نقشی داشته‌اند و در ادبیات چین هم «ک‌وان»-ها اوج ایجاز و گزیده‌گویی بوده‌اند.



«داستان دوستان»-به جز مقدمه خواندنی، داستان‌هایی کوتاه و اثرگذار را نیز از ۱۰ کتاب و منبع مهم تاریخ ادبیات کلاسیک ایران به همراه دارد که ایجاز و کوته‌ن‌ویسی را به‌بهترین وجه می‌نمایند. نکته ح‌ایز اهمیت در ارایه این داستان‌های کوتاه آن است که فراهم آورنده، ضمن اس‌اس قرار دادن معتبرترین مت‌ون در بعضی موارد با ویرایش و تصحیح مجدد، متنی دقیق و خوشخوان را به دست می‌دهد و در پ‌ن‌وشت‌ها نیز معانی واژه‌های دشوار هم آمده است. «داستان دوستان» کتابی است مفید و خواندنی که هم مخاطبش را با یک مقوله ادبی مطرح آشنا می‌کند و هم داستان‌هایی موج‌ز و اثرگذار عرضه می‌کند. کوششی که سعی دارد خ‌ف‌ایت کم‌گویی و گزیده‌گویی را نیز اثبات کند.

خبر

منوع در الجزایر

تقدیر شده در آلمان

■ این‌تا،جایزه صلح کتابفروشی‌های آلمان در سال ۲۰۱۱ به الجزایر می‌رود. «و‌ال‌م سنس‌ال» نویسنده الجزایری به عنوان برنده امسال جایزه صلح کتابفروشی‌های آلمان معرفی شد. «گوتف‌رید ه‌ونه فلد‌ر» مدیر اتحادیه ناشران و کتابف‌روشان آلمان اعلام کرد انتخاب این نویسن‌ده الجزایری نماد و نشانه‌ای از جنبش‌های آزادی‌خواهانه در شمال قاره آفریقااست. جایزه صلح کتابفروشی‌های آلمان معتبرترین جایزه فرهنگی آلمان و ارزش آن ۲۵ هزار یورو است که از سال ۱۹۵۰ اهدا می‌ش‌ود. اسمال «سنس‌ال» جایزه خود را در تاریخ ۱۶ اکتبر (۲۴ مهر) در اخت‌امیه نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانک‌ف‌ورت دریافت خواهد کرد. انتخاب «سنس‌ال» نویسن‌ده‌ای تقدیر می‌ش‌ود که به عنوان یک داستان‌سرای پرش‌ور و پ‌رح‌ار‌ات، تک‌ت‌سخن و دل‌س‌وز، تقابل فرهنگ‌ها در احترام و درک متقابل را ت‌ق‌ا می‌دهد. این نویسن‌ده ۶۱ ساله که کتاب‌هایش در الجزایر منع‌ون شده، در زمره اندک روشنفکران باقی‌مانده در این کشور است که به ط‌ریقی اشکال ا‌وضاع سیاسی و اجتماعی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و او را پیش‌قدم‌ی‌ مصرانه خود برای آزادی بیان و گفت‌وگوهای همگانی در جامعه‌ای دموکرات در مقابل هرگونه ق‌رم از توه‌م تر‌ور و استبداد سیاسی ایستادگی می‌کند. جایزه صلح کتابفروشی‌های کشور آلمان در سال ۲۰۰۰ نیز به کشور الجزایر رفته و از «آسیا جبار» تقدیر شده بود.

قرار داده است. برناسکونی در مقدمه کتاب در مورد دشواری کار خواننده آثار سارتر می‌گوید: «کسی که با ع‌طش ف‌هم و درک

اگزیستانسیالیسم به سراغ سارتر می‌رود، به جای رسیدن به خواسته خود با این جمله مواجه می‌ش‌ود که مس‌وولیت کل دنیا به عهده توست... فلسفه سارتر تعهد می‌طلبد: نه از آن قسم که تعهداتی که شخص را مقید به آینده خویش کند، بلکه به لحاظ درگیر شدن و کشش برای «دیگری» از مجرای سیاسی.» سارتر همیشه با امر سیاسی پیوند داشته است، مواضع و اقدامات او در م‌واردی مثل جنگ ویتنام و شورش‌های می‌۶۸ نمونه‌هایی از کشش سیاسی او را نشان می‌دهند. به این اعتبار، سیاست ر‌ه‌ایی‌بخش م‌چ‌ن‌ان می‌ت‌واند او را م‌س‌ود ت‌وج‌یه قرار دهد. در زمانه‌ای که مفاهیمی مثل تکلیف، تعهد و مس‌وولیت ناآشنا و غریبه می‌نمایند، سارتر هن‌وز هم حرف‌هایی برای گفتن خواهد داشت، خاصه در آن هنگام که امر سیاسی و انقلاب‌های مردمی بار دیگر احیا شده‌اند. «ت‌ص‌ویر سارتر در جهان سوم بسیار متفاوت‌تر است و هن‌وز نیز از او به عنوان قهرمان مظل‌ومان یاد می‌ش‌ود. او نه تنها پرچم آرمان‌های آنان را برافراشته بود، بلکه هر چه در توان داشت برای شنیده شدن آنها انجام داد.»